



اشاره:

جمهوری اسلامی نظامی است که حضرت امام خمینی^ع در کشور ایران به پشتوانه مردم، بنا نهاد. این نظام، دارای ساختاری نوین و کارآمد از مبانی اسلام اصیل است که بر مبنای باورها، داده‌ها و آموزه‌های آن دین مبین اسلام استوار است. بنابر آن داده‌ها و آموزه‌ها، ولی فقیه در رأس نظام جمهوری اسلامی قرار داد و از مشروعیت الهی برخوردار است و هر نوع اعمال حاکمیت بدون اذن او فاقد مشروعیت است. یکی از مناصب خطیر در جمهوری اسلامی، منصب ریاست جمهوری است و مشروعیت آن بعد از احراز صلاحیت‌ها توسط نهادهای ذی‌ربط و رأی مردم، برآمده از تجویز و تنفیذ ولی فقیه و رهبری است. رئیس‌جمهور، پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را، جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد.

در اصل ۱۱۵ قانون اساسی شرایطی را برای افرادی که داوطلب این جایگاه مهم می‌شوند، در نظر دارد که بایستی این شرایط برای نامزدهای ریاست جمهوری احراز شود. یکی از این شرایط رجولیت مذهبی و سیاسی است. در طی مدتی که از عمر این نظام می‌گذارد، پیرامون این ویژگی تعاریف و تفاسیر متعددی مطرح بوده است. نشریه فرهنگ پویا با توجه به موضوع این شماره به بررسی این شرط می‌پردازد.

مفهوم ر جل مذهبی - سیاسی در اصل ۱۱۵ قانون اساسی

هادی قطبی

ایجاد ابهام در قید رجولیت مذهبی و سیاسی

همچنین در سیاست‌های کلی انتخابات، که توسط مقام معظم رهبری در مهرماه ۱۳۹۵ که به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد، شورای نگهبان را مرجع تعریف ر جل سیاسی و مذهبی، می‌داند و اعضای شورای نگهبان ملزم به تعریف آن می‌کند. ایشان در بند دهم چنین مرقوم فرموده‌اند: «ارتقاء شایسته‌گزینی - همراه با زمینه‌سازی مناسب - در انتخاب داوطلبان تراز شایسته جمهوری اسلامی ایران و دارای ویژگی‌هایی متناسب با جایگاه مربوط از طریق:..... ۵. تعریف و اعلام معیارها

در اصل ۱۱۵ قانون اساسی آمده است: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»

یکی از قیود که در آن ابهام وجود دارد قید «ر جل مذهبی و سیاسی» برای رئیس‌جمهور در اصل ۱۱۵ قانون اساسی است.



و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر بودن نامزدهای ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان» (۱). با توجه به این بند که خواستار «تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی» شده است، شورای نگهبان باید کمی‌سازی کند و معیارهایی ارائه دهد که موجب اتهام اعمال سلیقه در تصمیمات نگردد.

شرایط و معیارهای رجل سیاسی، مذهبی

بر همین اساس بعد از ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات توسط مقام معظم رهبری، شورای نگهبان معیارهایی را در تشریح رجل مذهبی و سیاسی بودن، ارائه داده و یازده معیار را ذکر می‌کند: «شرایط و معیارهای لازم جهت تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری عبارتند از:

یک: سوابق کافی و قابل ارزیابی در فعالیتهای مذهبی و سیاسی از قبیل مکتوبات، سخنرانی‌ها و اعلام مواضع.

دو: سوابق کافی و قابل ارزیابی در تصدی برخی مسئولیت‌ها و مدیریت‌های کلان.

سه: سلامت و توانایی لازم جهت ایفای مسئولیت‌های ریاست جمهوری. **چهار:** سن متناسب با مسئولیت‌های ریاست جمهوری.

پنج: صلاحیت علمی لازم جهت ایفای وظایف ریاست جمهوری.

شش: ارائه برنامه‌ها و خط مشی‌های اجرایی در چارچوب صلاحیت و اختیارات قوه مجریه مبتنی بر اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام.

هفت: معرفی مشاوران جهت تشریح برنامه‌ها و توان مدیریتی برنامه‌ها.

هشت: عدم محرومیت از حقوق اجتماعی و فقدان سابقه محکومیت کیفری موثر.

نه: عدم محکومیت قطعی کیفری به جرائم اقتصادی از جمله کلاهبرداری، رشاء و ارتشاء، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، پول‌شویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور.

ده: وابسته نبودن به گروه‌های غیرقانونی و عدم محکومیت به اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران و فقدان سوابق سوء امنیتی از جمله در فتنه سال ۱۳۸۸.

یازده: عدم وابستگی به رژیم گذشته و موثر نبودن در تحکیم آن» (۲).

همچنین نمایندگان مجلس شورای اسلامی در آبان ۱۳۹۹، در ماده دوم طرح اصلاح قانون انتخابات، برای رجل مذهبی و سیاسی بودن، معیارهای زیر را ذکر کردند:

الف) معیارهای رجل مذهبی:

۱. اعتقاد و التزام عملی به ولایت مطلقه فقیه.
۲. ثبات و استواری در اعتقاد و التزام به عقاید، احکام و اخلاق اسلامی از جمله انجام واجبات و تقید به ترک محرّمات و اشتها به آن.
۳. بهره‌مندی از اطلاعات لازم در حوزه اعتقادات و اصول دین و

۴. احساس مسئولیت نسبت به امور دینی مردم و ترویج ارزش‌های دینی و انقلابی در جامعه، از جمله اعتقاد عملی به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و بزرگداشت شعائر دینی.
۵. صداقت در گفتار و عدالت در رفتار با بررسی سوابق از جمله در گزارش‌های مرتبط با سمت‌ها و مسئولیت‌ها و ارائه آمارهای مرتبط.

ب) معیارهای رجل سیاسی:

۱. بهره‌مندی از اطلاعات لازم و قدرت تحلیل در خصوص مبانی شکل‌گیری نهضت امام خمینی و نظام اسلامی و استمرار آن.
۲. تعهد و التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی و قانون اساسی و همچنین درک و آشنایی نسبت به اصول این قانون و حدود صلاحیت‌ها و جایگاه قوای سه‌گانه و سایر نهادهای اساسی نظیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان رهبری، شوراها و نیروهای مسلح.
۳. داشتن مواضع روشن و عملکرد شفاف راجع به جریان‌های غرب‌گرا و واگرا و طرفداران نظام سلطه در کشور و تهدیدات و فتنه‌های بعد از انقلاب اسلامی.
۴. شناخت و آگاهی عمیق نسبت به امور داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز قدرت تحلیل مسائل جاری و آتی مبتنی بر مبانی و معیارهای انقلابی از قبیل حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، عدم تعهد و گرایش به قدرت‌های سلطه‌گر، حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین و دفاع از حقوق همه مسلمانان.
۵. سابقه تلاش همه‌جانبه در تأمین و حفظ حقوق شهروندی و آزادی‌های قانونی و مشروع، وحدت ملی و تقویت آن، مصالح نظام اسلامی، منافع ملی و ترجیح آن بر منافع شخصی، گروهی، قومی و حزبی.
- تبصره- أخذ یا داشتن تابعیت و یا اقامت دائم از کشورهای بیگانه توسط داوطلب، والدین، همسر و فرزندان از مصادیق عدم‌التزام و تعهد به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. (۳)
- نمایندگان مجلس البته برای مدیر بودن نیز شرایطی از قبیل سابقه مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، پایبندی به مقررات، نظم در عملکرد، روحیه جهادی و کارگروهی، ساده‌زیستی و حساسیت نسبت به بیت‌المال و مشورت‌پذیری و نقدپذیری و... را پیشنهاد کرده‌اند. (۴)

معنا و مفهوم رجل

بر اساس اصل ۱۱۵، اولین فیلتر شورای نگهبان برای احراز صلاحیت‌ها، این است که در دایره رجال سیاسی مذهبی، شرایط افراد را احراز کند؛ چراکه با دو واژه «از میان» و «رجال مذهبی و سیاسی» داوطلبان را محدود می‌کند و بعد از آن شرایطی را ذکر می‌کند: «ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و

با مراجعه به مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی نیز مشخص می‌شود که در هنگام تدوین قانون اساسی، خبرگان حاضر در جلسات دو نظر داشته‌اند: برخی معتقد بودند با توجه به این که منصب ریاست جمهوری شغلی همانند قضا، یا مرجعیت نیست تصدی آن توسط زنان واجد شرایط نیز بدون اشکال است. برخی دیگر که اکثریت را تشکیل می‌دادند معتقد بودند: تصدی ریاست جمهوری نوعی حکومت و ولایت است و حکومت تنها خاص قضا و مرجعیت نیست؛ بلکه طبع این منصب که به نوعی مقتضی حاکمیت ولو در حد معینی است، نمی‌تواند به زنان واگذار شود، زیرا مضامین وارده و نیز فتاوی مشهور از پرداختن زنان به حکومت به معنی خاص ابا دارد. (۶)

همچنان که اشاره شد، مفهوم رجل، فراتر از قدرت مدیریت و تدبیر امور است؛ چراکه در ادامه همین اصل، مدیریت و تدبیر را نیز ذکر می‌کند. شاید بتوان با توجه به شرایطی که در اصل ۱۱۵ برای رجال مذهبی و سیاسی ذکر شده، کلمه رجل را به معنای نخبگان گرفت. حال فرد نامزد یا خود نخبه مذهبی و سیاسی است و با سخنان و نظرات وی مورد تأیید نخبگان مذهبی و سیاسی می‌باشد.

بنابراین همان‌طور که اشاره شد، رجل مذهبی و سیاسی غیر از شرایطی مانند مدیریت و تقوا و امانتداری و اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی و اعتقاد به مذهب رسمی کشور است و نخبه مذهبی و سیاسی بودن، برای احراز صلاحیت کافی نیست.

نسبی بودن مفهوم رجل مذهبی و سیاسی

نباید از نظر دور داشت که رجولیت مذهبی و سیاسی، یک مفهوم نسبی است و با توجه به شرایط زمان و اشخاص تعریف می‌شود. ممکن است فردی در گذشته رجل مذهبی و سیاسی محسوب می‌شده، اما به دلیل مشکلات شخصی یا کناره‌گیری از سیاست یا تکامل نظام و جامعه، اکنون مصداق رجل مذهبی و سیاسی نباشد.

با توجه به پیشرفت سخت‌افزار و نرم‌افزارهای اطلاع‌رسانی و رشد جامعه نسبت به اطلاعات مذهبی و سیاسی، افراد جامعه با دهه‌های گذشته بسیار متفاوت است؛ به گونه‌ای که اوائل انقلاب گاه یک فرد سی ساله هم رجل مذهبی و سیاسی محسوب می‌شد، اما امروز چنین نیست؛ چراکه انقلاب اسلامی در سیر تکاملی خود، هر چه پیش‌رفت کرده، شرایط و آزمون‌های دشوارتری را تجربه کرده است و اگر انقلاب اسلامی پیش از

مذهب رسمی کشور؛ یعنی ممکن است فرد مدیر باشد یا از سابقه خوب اجرایی برخوردار باشد، اما در عین حال رجل سیاسی یا رجل مذهبی نباشد. یا رجل مذهبی و اسلامی باشد، اما امانت‌دار و متقی نباشد. در این صورت به صراحت قانون، صلاحیت وی تأیید نمی‌شود. از طرفی قانون‌گذار برای رجلیت، قید مذهبی بودن و سیاسی بودن را ذکر کرده است. در واقع این سه ویژگی باید قبل از بررسی سایر شرایط، در داوطلبان احراز شود. اما قبل از هر چیز، باید معنا و مفهوم «رجل» را تبیین نموده و بدانیم مراد قانونگذار از این واژه چیست؟

رجل در عربی در دو استعمال مذکر بودن و مرد بودن؛ و دوم شخصیت استفاده می‌شود. همچنان‌که در آیه شریفه می‌فرماید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» در این آیه مراد از رجل شخصیت‌هایی هستند که چنین ویژگی‌هایی را دارند.

اما در زبان فارسی، رجل فقط به معنای شخصیت به کار می‌رود و برای مذکر و مؤنث، واژگان زن و مرد یا خانم و آقا را به کار می‌برند. از همین رو، قانون‌گذار در اصل ۱۱۵ قانون اساسی از واژه «رجال» استفاده کرده و واژه مردان یا آقایان را به کار نبرده است. به همین دلیل سخنگوی شورای نگهبان نیز تصریح می‌کند: «در گذشته از قشر بانوان نیز کسانی بودند که ثبت نام کردند و شورای نگهبان در این زمینه نظر خاصی ندارد و منع خاصی هم وجود ندارد، قانون خاصی هم نسبت به ثبت نام و بررسی صلاحیت بانوان وجود ندارد... شورای نگهبان هیچ‌گاه به صرف این که فردی که ثبت نام کرده مرد است یا زن اظهار نظر نکرده است و هر گاه زنی رد صلاحیت شده به خاطر نداشتن صلاحیت عمومی بوده است.» (۵)

ناگفته نماند تفسیر «رجال مذهبی و سیاسی» در مشروح مذاکرات قانون اساسی نیز توسط آیت‌الله شهیدبهشتی، بی‌نتیجه ماند و از مرد و زن بودن، عبور کرده و به تصمیم فقهی آیندگان واگذار کرده‌اند. از همین رو قانون نسبت به مرد بودن کلمه رجل ساکت است و باب تفسیر را برای دیگران باز گذارده است. و بنابر گفته سخنگوی شورای نگهبان در جواز ثبت نام بانوان، قطعی است که مراد از رجل در این اصل، مرد بودن نیست.



بر اساس اصل ۱۱۵، اولین
فیلتر شورای نگهبان برای احراز
صلاحیت‌ها، این است که در
دایره رجال سیاسی مذهبی،
شرایط افراد را احراز کند؛ چراکه
با دو واژه «از میان» و «رجال
مذهبی و سیاسی» داوطلبان
را محدود می‌کند و بعد از آن
شرایطی را ذکر می‌کند؛
در واقع این سه ویژگی باید
قبل از بررسی سایر شرایط، در
داوطلبان احراز شود.

این در مرحله نظام‌سازی قرار داشته، اکنون در مرحله دولت‌سازی است. از همین‌رو باید با توجه به شرایط حاکم امروز رجال مذهبی و سیاسی را تعریف شود.

در همین مراحل است که نخبگان مذهبی و سیاسی مورد آزمایش و امتحانات سخت قرار می‌گیرند و برخی افراد که پیش از این جزء رجال مذهبی و سیاسی بوده و حتی دارای مسئولیت‌های سنگین و کلان بوده‌اند، در غربال‌گری‌ها، از دایره نظام و دولت اسلامی خارج می‌شوند؛ چراکه در شرایط دولت‌سازی، کار به مراتب سخت‌تر از نظام‌سازی است و افرادی که در گذشته مسئولیت و عنوانی داشته‌اند، ممکن است دچار سستی و ضعف و رکود شوند و نتوانند هم‌پای انقلاب اسلامی رشد نمایند. این امر در بسیاری از موارد از صلاحیت و شایستگی‌های افراد کم نمی‌کند، اما آنان را در طراز یک مسئول انقلاب اسلامی در حال حاضر نیز قرار نمی‌دهد.

همچنین ممکن است فردی برای مناصب دیگر مانند میدان مبارزه علمی و نظامی، رجل سیاسی محسوب شود، اما برای ریاست جمهوری، رجل سیاسی محسوب نشود.

ناگفته نماند: هرچند آنچه گفته شد، در قانون لحاظ نشده و یک تفسیر علمی برای جامعه است تا بتوانند فرد شایسته‌ی را انتخاب کنند؛ و این وظیفه سنگین، بر عهده نخبگان است و شورای نگهبان، حداقل‌ها را در رد یا تایید صلاحیت‌ها در نظر می‌گیرد تا میدان مدیریت و اجرای قانون برای افراد بیشتر با سلاقی مختلف اجرایی و مدیریتی در عرصه سیاست فراهم باشد و این مردم هستند که باید شرایط کشور و انقلاب را در نظر داشته و فردی را در طراز دولت اسلامی از میان افراد تایید صلاحیت شده، انتخاب کنند. از همین با دقت بیشتری باید سخن گفته و انتخاب بهتری داشته باشیم تا بتوانیم پاسخگوی شارع مقدس باشیم.

در واقع آنچه گفته شد، ملاک و معیاری برای مردم است تا با توجه به این معیارها حداکثری بیندیشند و به حداقل‌ها راضی نشوند و برای پیشرفت جامعه و رسیدن به اهداف و آرمان‌ها، مسیر کوتاه‌تر و سریع‌تری پیمایند. از این منظر، اقدام شورای نگهبان در احراز حداقلی شرایط، میدان آزمون و انتخاب را برای مردم فراهم می‌آورد؛ نه این‌که آنان نیز بدون در نظر گرفتن شرایط کشور و منطقه، به انتخاب حداقلی دست بزنند.

جمع بندی

می‌توان ادعا کرد «رجولیت مذهبی و سیاسی» یک مفهوم نسبی است و نمی‌توان با معیار دوره‌های گذشته و سوابق در عرصه‌های دیگر افراد، صلاحیت امروزشان را تایید را رد کرد.

هرچند جای این سوال باقی است که با توجه به تفسیری که از مفهوم رجولیت ذکر شد، برای عملکرد شورای نگهبان در تایید صلاحیت برخی افراد که رجال مذهبی محسوب نمی‌شوند، چه توجیهی می‌توان ارائه داد؟ آیا می‌توان گفت به قدرت رسیدن برخی افراد ناشایست، ناشی از تسامح در تفسیر اصل ۱۱۵ و تبیین «رجال مذهبی و سیاسی» در برخی ادوار گذشته بوده باشد؟

قرائن نشان می‌دهد با توجه به عدالت اعضای محترم شورای

نگهبان و نیز این‌که عملکرد و نظر آنان تابع گزارشات و اطلاعاتی است که به ایشان می‌رسد، شاید بتوان گفت عملکرد بدون هیچ عیب و نقص، مخصوص معصومین علیهم‌السلام است، در عین حال اشتباهات افرادی مانند فقها و حقوقدانان محترم شورای نگهبان، معمولاً از روی تعمد و سهو و سهل‌انگاری نبوده است. چه بسا در مقدمات این تصمیم‌گیری، اشتباهی صورت بگیرد یا افراد از راه‌های دیگری غیر از اسناد ارائه شده، علم حاصل کنند و نتوانند دیگران را توجیه کنند، و گاه اطلاعاتی که دیگران دارند و برای خودشان حجت است، برای ایشان ثابت نشود و از همین‌رو در تایید یا رد صلاحیت‌ها دچار اختلاف شوند. از طرفی ملاک شورای نگهبان، قانون اساسی است و سیستم نظارتی شورای نگهبان، سیستم گزینش است، نه سنجش؛ به همین دلیل نمی‌تواند وارد شخصیت‌شناسی افراد شود و علاوه بر مستندات گزینشی، مستندات سنجشی نیز داشته باشد که آیا این فرد تحمل فشار هشت سال ریاست جمهوری را دارد؟ آن‌چه مهم است این‌که بپذیریم نظام جمهوری اسلامی دارای ساختار است و برای مصلحت‌اندیشی، ساختاری ایجاد کرده که همان مجمع تشخیص مصلحت نظام است و شورای نگهبان در این ساختار، جایگاه مصلحت‌اندیشی ندارد بلکه عهده‌دار نظارت بر اجرای قانون است و در بعضی موارد مانند اصل ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی وظایفی دارد که حاصل آن این است که گفته شده شورای نگهبان چشم بینای نظام اسلامی و پاسدار قانون اساسی و ملاک اسلامیت و جمهوریت نظام است.

پی‌نوشت‌ها

۱. سایت khamenei.ir - کد خبر: ۳۴۶۴۲
۲. سایت رسمی شورای نگهبان، ۱۳۹۶/۱۲/۲۶ - کد خبر: ۵۱۳۹.
۳. خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۹/۰۸/۱۱ - کد خبر: ۸۴۰۹۵۵۵۰
۴. همان.
۵. سایت رسمی شورای نگهبان، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹ - کد خبر: ۳۰۱۹.
۶. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی ج ۳ ص ۱۷۶۹ تا ۱۷۷۱.